

رژیم صهیونیستی و شرق آفریقا^۱

صبری انوشه*

چکیده

اهتمام رژیم صهیونیستی به منطقه شرق آفریقا قبل از تأسیس رژیم اشغالگر قدس بوده و نظریه پردازان صهیونیستی، اوگاندا و کنیا را به عنوان موطن‌های برگزیده برای گردآوری یهودیان آواره جهان در نظر داشتند.

اتیوپی، جایگاه راهبردی در سیاست آفریقایی رژیم صهیونیستی دارد؛ زیرا با توجه به اینکه آدیس‌آبابا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، قابلیت تأثیرگذاری در توازن منطقه‌ای را دارد، می‌توان از ظرفیت‌های آن در جهت تعدیل سیاست منطقه‌ای مصر و سودان بهره‌برداری نمود. همچنین امنیت آبی سودان و مصر در گرو سیاست‌های آبی اتیوپی است.

وجود یک اقلیت یهودی (فلاشه) در اتیوپی، می‌تواند توازن جمعیتی فلسطین اشغالی را به سود رژیم صهیونیستی مختل و خلأ کمبود نیروی کار این رژیم را پر کند و با بیکار کردن کارگران فلسطین، فشارهای مضاعفی بر اقتصاد بحران زده دولت خودگران فلسطین تحمیل کند.

امنیت دریای سرخ در ابعاد مختلف برای سیاست راهبردی و امنیتی رژیم اسرائیل، از اولویت‌های استراتژیک برخوردار است و توازن منطقه‌ای و ترتیبات امنیتی در این منطقه بیوند

^۱ منظور از شرق آفریقا، مناطق شاخ آفریقایی بزرگ و دریاچه‌های بزرگ است.

* محقق مسائل آفریقا و خاورمیانه

تنگاتنگی با موضوع منازعه اعراب و اسرائیل داشته و روابط ارگانیک با امنیت ملی جهان عرب دارد. حوزه رود نیل نیز در دایره سیاست راهبردی رژیم صهیونیستی است و از رهگذر نفوذ و بسط سلطه در این منطقه، این رژیم قابلیت‌های بالفعلی برای تهدید امنیت ملی کشورهای عربی همچون سودان و مصر خواهد داشت.

مقدمه

با کنکاش و مطالعه اندیشه‌های ناحوم گلدمان، استراتژیست و رهبر کنگره بین‌المللی صهیونیست‌ها، پیرامون اولویت‌های رژیم صهیونیستی در آفریقا، ماهیت و ابعاد نقش اسرائیل در آفریقا به خوبی روشن می‌گردد. گلدمان در کتابش «اسرائیل به کجای رود؟»^(۱) به اهداف و راهبردهای صهیونیست‌ها در آفریقا اشاره نموده که خلاصه آن عبارت است از:

۱. امنیت ملی اسرائیل، تأمین و پاسداری از آن؛
۲. مشروعیت سیاسی اسرائیل در منطقه و جهان؛
۳. کسب و توسعه قدرت منطقه‌ای اسرائیل.

قبل از تشکیل دولت غاصب فلسطین در سال ۱۹۴۸، منطقه شرق آفریقا در اندیشه سیاسی و راهبردی رهبران صهیونیستی، جایگاه ممتازی داشته است. لیبی و سرزمین اوگاندا و کنیا از گزینه‌های صهیونیست‌ها برای اسکان و تجمع یهودیان جهان بودند. اهتمام و توجه رژیم صهیونیستی به این منطقه و کشورهای آن طی شصت سال اخیر، در زمینه‌ها و ابعاد مختلفی بوده است. این منطقه حساس، پس از پایان جنگ جهانی دوم و جنگ سرد در شش دهه اخیر، شاهد تحولات ژرفی بوده و عوامل خارجی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای در روند این تحولات منطقه‌ای و فرایند تغییرات محلی آن، نقش

آفرینی نمودند و رژیم صهیونیستی مستقیم و یا غیرمستقیم یکی از این عوامل بوده است. نزدیکی جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی میان شرق آفریقا و منطقه پرتهاب خاورمیانه، کشورهای این منطقه را همیشه تحت تأثیرات تحولات حوزه خاورمیانه و کانون‌های بحران زده آن قرار داده است.

تغییرات حاصل در این منطقه، همیشه تابعی از فرایند دگرگونی‌های خاورمیانه بوده است. گفته می‌شود که بخش بزرگی از روند تحولات منطقه‌ای شرق آفریقا، حاصل مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی بوده است؛ زیرا این منطقه به دلایل فوق، در شش دهه اخیر، یکی از عرصه‌های فعال منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی بوده است. صهیونیست‌ها از آغاز تأسیس دولت اسرائیل در فلسطین اشغالی، همسایگان بزرگ جهان عرب همچون ایران، ترکیه و اتیوپی را در کانون توجه راهبردهای سیاست خارجی این رژیم قرار داده‌اند.^(۳)

کشور اتیوپی که یکی از معدود کشورهای مستقل آفریقا در دههٔ چهل سده بیستم و از پیشگامان کشورهای آفریقایی عضو سازمان ملل بوده است، در ابتدا به خاطر دوستی تاریخی و سنتی با همسایگان عربش به قطعنامه تقسیم فلسطین و به رسمیت شناختن رژیم اسرائیل رأی مثبت نداده، ولی پس از اندک زمانی با فروپاشی نظام پادشاهی فاروق در مصر و روی کار آمدن یک رژیم جمهوری خواه و رادیکال و طرفدار جنبش‌های آزادی‌بخش، روابط خود را با قاهره تعدیل و مناسبات نوینی را با رژیم صهیونیستی پایه‌گذاری نمود.^(۴) مناسبات تل‌آویو - آدیس‌آبابا به مثابه سنگ بنایی برای گسترش روابط رژیم صهیونیستی با دیگر کشورهای منطقه شرق آفریقا بوده است. مقاله حاضر، قصد دارد، روند نفوذ و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی را در این منطقه تشریح و اولویت‌های

سیاست راهبردی این رژیم را در قبال کشورهای شرق آفریقا تبیین نماید. همچنین درصدد است عوامل و عناصر تهدیدزای حضور این رژیم در این منطقه را برشمارد.

پیشینه تاریخی و سنتی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه

براساس اسناد و مدارک تاریخی، صهیونیست‌ها به آفریقا و منطقه شرق آن قبل از تشکیل این رژیم، توجه ویژه‌ای داشته و تلاش می‌کردند براساس نفوذی که در مؤسسات و نهادهای مستعمراتی بریتانیا داشته‌اند، در مستعمرات انگلیس به ویژه در فلسطین و شرق و شمال آفریقا، برای یهودیان آواره در جهان موطنی را برگزینند. در قرن نوزدهم، تئودور هرتزل در کتابش «دولت صهیونیسم» بر ضرورت تشکیل دولت اسرائیل برای تجمع و اسکان یهودیان پراکنده در جهان، تأکید داشته و اشاراتی به مناطقی در شرق آفریقا همچون اوگاندا نموده است.^(۴)

به رغم اینکه در پی سقوط سلطان عبدالحمید^(۵) و در آستانه جنگ جهانی اول، تمام پروژه‌ها و طرح‌های ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در آفریقا مردود شناخته شد، ولی برخی یهودیان اروپایی به آفریقا کوچ کردند و در کنیا و اوگاندا مستقر شدند.^(۶) پس از تأسیس دولت صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، تلاش‌های فراوانی برای حضور این رژیم در قاره آفریقا به ویژه منطقه خاوری آن از سوی رهبران این رژیم صورت گرفت و در این زمینه، موفقیت‌های ارزنده و راهبردی کسب نمودند. در اتیوپی، رژیم صهیونیستی در برقراری روابط با این کشور، با موانع و مشکلات عدیده‌ای از جمله خصومت سنتی و مذهبی یهودیان و مسیحیان مواجه گردید که به صورت موانع مذهبی، فرهنگی و ایدیولوژیکی در برقراری روابط تل‌آویو - آدیس‌آبابا پدیدار بود. روابط سنتی و تاریخی میان اتیوپی و مصر نیز عاملی منفی در عرصه مناسبات اسرائیل و اتیوپی محسوب می‌شد.

رویکرد نوین سیاست خارجی مصر در دوران حاکمیت ناصر، بازتاب‌هایی در سطح مختلف داشت و در سطح منطقه‌ای با عکس‌العمل اتیوپی رو به رو بود و اختلافات هیلاسلاسی و ناصر را که انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی داشت، تشدید نمود. همچنین دامنه این اختلافات، تحت تأثیر عوامل خارجی همچون آمریکا و انگلیس، بُعد وسیعی پیدا کرد و برای حضور رژیم صهیونیستی در منطقه شاخ آفریقا و حوزه رود نیل، فرصت طلایی بود. روابط اتیوپی - اسرائیل که با گشایش سرکنسولگری رژیم صهیونیستی در آدیس‌آبآبا در سال ۱۹۵۰ آغاز گردید، با جنگ سرد میان ناصر و هیلاسلاسی، پهنه این روابط، ابعاد وسیعی پیدا کرد و حضور رژیم صهیونیستی را در منطقه پایدار نمود.^(۷) ناصر در مناسبت‌های مختلف، حمایت مصر را از اقلیت‌ها و قومیت‌های زیر ستم استبداد و استعمار حکومت هیلاسلاسی، امپراطور اتیوپی، اعلام می‌نمود و به گروه‌های مبارز اریتره کمک‌های نظامی و لجستیکی می‌کرد و در مقابل، رژیم صهیونیستی به آدیس‌آبآبا کمک‌های فنی و نظامی و تسلیحاتی می‌نمود. در جریان حمله مسلحانه گروه‌های آزادی‌بخش اریتره ضد اتیوپی، رژیم اسرائیل اقدام به ارسال کمک‌های نظامی و اعزام کارشناسان نظامی برای اتیوپی نمود.^(۸) این رژیم در همان دوران، دو آموزشگاه نظامی برای رژیم هیلاسلاسی ساخت؛ نخست، برای آموزش‌های جنگ چریکی و دیگری، برای آموزش‌های کماندویی دریایی بوده است.^(۹) همچنین مستشاران صهیونیستی اغلب اوقات به یورش ارتش اتیوپی به شهرهای اریتره و انهدام روستاهای آن اشراف و نظارت داشته‌اند.^(۱۰)

اتیوپی در دوران پادشاهی هیلاسلاسی و سوسیالیستی منگیستو هایلله ماریام و ملس زیناوی، نه تنها در بُعد امنیتی و نظامی در کانون منازعه مصر و رژیم اسرائیل قرار گرفته بود، بلکه در زمینه اقتصادی، کشاورزی، مذهبی و آبیاری نیز حضور فعال داشته

است. اسرائیل با کمک‌های فنی و مهندسی و حمایت‌های مالی و اعتباری تلاش داشته، سیاست‌ها و نظام‌های آبیاری اتیوپی، نوسازی و نحوه بهره‌برداری از منابع آبی رود نیل را به زیان امنیت آبی مصر و سودان، متحول گرداند.^(۱) هیلاسلاسی در مناسبت‌های گوناگون با بهره‌برداری از برگ منابع آبی رود نیل همیشه مصر را تهدید می‌کرد.^۱ این روند، دامنه اختلافات مصر و اتیوپی را گسترده و روابط دو کشور را همیشه تهدید کرده است. در بُعد مذهبی و فرهنگی، رژیم صهیونیستی نقش مؤثری در جدا کردن کلیسای قبطی اتیوپی^۲ از کانون قبطی اسکندریه داشت؛ به طوری که این رژیم برای افزایش اختلافات میان دو کلیسای قبطی مصر و اتیوپی، کلید یکی از کلیساهای قبطی قدیمی و معتبر شهر قدس را به روحانیون اتیوپی داد.^۳

رژیم صهیونیستی برای برقراری روابط با کشورهای آفریقایی به ویژه منطقه آفریقای خاوری، شیوه‌ها و تاکتیک‌های خاصی به کار می‌برد؛ از جمله اهتمام ویژه‌ای به روابط دوستانه با رهبران آفریقایی یا کاندیداهایی که در آینده احتمال رهبری آنها وجود داشت، کرده است.

همچنین در ادارک و ذهنیت دستگاه سیاست خارجی این رژیم، به جایگاه و نقش حیاتی و بزرگ نظامیان کشورهای آفریقایی توجه شده است. عیدی امین، رئیس جمهوری پیشین اوگاندا، از جمله افسران آفریقایی بود که در فلسطین اشغالی آموزش

۱. ۸۵ درصد کل آهای رود نیل که از سودان و مصر می‌گذرد از منابع آبی و سرچشمه‌های رود نیل در فلات اتیوپی، تغذیه می‌شود.

۲. اغلب مسیحیان اتیوپی پیرو کلیسای قبطی مصر بوده و تابع آیین کلیسای ارتدوکس شرقی و مکتب مذهبی قبطی مصری هستند.

۳. پس از یک دهه، در پی آشتی قبطیان اتیوپی و مصری، دوباره آن کلید به قبطیان مصری بازگشت.

نظامی و دوره‌های ستادی دیده بود. در همین راستا جومو کنیاتا، رئیس‌جمهور پیشین کنیا، در آستانه استقلال کشورش اعلام نمود که اولین گروه از خلبانان کشورش به صورت سرّی در فلسطین اشغالی آموزش‌های نظامی و فنی دیده‌اند.^(۱۲) در نیمه دهه شصت، رژیم اسرائیل نیروهای مسلح کشورهای منطقه شرق آفریقا همچون اتیوپی، کنیا، اوگاندا و تانزانیا را آموزش نظامی، فنی و ستادی داده است و در پایان سال ۱۹۶۶، فاش شد که ۱۵۰ نفر از جوانان تانزانیا برای یادگیری آموزش‌های نظامی، به فلسطین اشغالی اعزام شده بودند. در راستای مناسبات نظامی این رژیم و کشورهای آفریقایی، اولین گروه از خلبان‌های نظامی منطقه شرق آفریقا توسط افسران صهیونیستی و در فلسطین اشغالی آموزش‌های فنی و نظامی دیده‌اند. دیدگاه اکثر سران کشورهای آفریقایی تازه استقلال یافته به ویژه سران کشورهای منطقه خاوری آفریقا، نسبت به رژیم اسرائیل مثبت بوده است؛ برای مثال نایرره، رئیس‌جمهور پیشین تانزانیا، اظهار داشت: «اسرائیل کشور کوچکی است، ولی این قدرت را دارد که برای کشوری مثل کشور من، چیزهای زیادی عرضه کند. ما می‌توانیم درس‌های مفیدی از اسرائیل بیاموزیم؛ زیرا دو طرف با مشکلات مشابهی مواجه هستیم که در رأس آن، دو مشکل مهم و اساسی یعنی ساختن امت واحده و سپس آباد کردن زمین و ایجاد تحول مادی و اقتصادی در کشور است».

رژیم صهیونیستی در دهه هفتاد و هشتاد، کمک‌های فنی و مهندسی در زمینه کشاورزی، دامپروری و توسعه پایدار به کشورهای آفریقایی از جمله اتیوپی و تانزانیا نموده است.^(۱۳)

ژئوپولیتیک منطقه شرق آفریقا

مفهوم «شاخ آفریقای بزرگ» در ادبیات سیاسی و راهبردی ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری کلینتون، رئیس‌جمهور (دموکرات) آمریکا، مطرح و

مرسوم شده است. سوزان رایس، معاون آفریقایی وزارت خارجه وقت آمریکا، این مفهوم را پس از پرداخت و متبلور ساختن آن در ادبیات و گفتمان سیاسی و علوم ژئوپولیتیکی آمریکا و جهان، رواج داد. از دیدگاه استراتژیست‌های آمریکا، اصطلاح شاخ آفریقای بزرگ که اغلب کشورهای منطقه شرق آفریقا را در بردارد، بر منطقه‌ای اطلاق می‌شود که شامل کل منطقه شاخ آفریقا و سودان و منطقه دریاچه‌های بزرگ است.^(۱۴)

اهمیت ژئوپولیتیکی این مناطق، به طور تفکیکی و خلاصه به شرح زیر بیان می‌شود:

۱. دریای سرخ: براساس نظریه‌های ژئوپولیتیکی، خاورمیانه جزو مناطق حاشیه‌ای محسوب می‌شود و منطقه دریای سرخ تا حدودی در میانه هلال حاشیه‌ای قرار گرفته است. در دوران جنگ سرد، این منطقه بخشی از کمربند امنیتی شوروی سابق بود و اهداف راهبردی آمریکا و متحدان آن در این منطقه، محاصره شوروی، جلوگیری از پیشرفت نفوذ آن، حمایت از امنیت اسرائیل و تأمین راه‌های انتقال سوخت از این حوزه به اروپا بوده است.^(۱۵) پس از پایان جنگ سرد، اهمیت ژئوپولیتیکی این حوزه در برخی ابعاد و زمینه‌ها، کاهش یافته، ولی با آغاز جنگ دوم خلیج فارس و آزادی کویت، اهمیت استراتژیکی این منطقه بار دیگر متحول و برجسته گردید. آمریکا در جنگ به اصطلاح آزادی کویت، از این منطقه کمال بهره‌برداری نموده و پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، بوش (پسر) از این منطقه برای مبارزه با تروریسم جهانی، به خوبی استفاده نموده است.^(۱۶) دریای سرخ در اندیشه متفکران، استراتژیست‌ها و رهبران صهیونیستی، جایگاه بسیار مهمی دارد. در این راستا بن‌گوریون، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و از مؤسسان دولت صهیونیستی، در ارزیابی از اهمیت استراتژیک بندر ایلات گفت: «حیات و مرگ اسرائیل در گرو این دریاست».^(۱۷) رژیم صهیونیستی همیشه خود را در محاصره اعراب می‌دیده است؛ از این رو استراتژی

سنتی آن در حوزه دریای سرخ، بر شالوده دکترین بن گورین قرار گرفته است. براساس این دکترین، رژیم صهیونیستی باید مناسبات خود را با کشورهای پیرامون جهان عرب، گسترش دهد تا از این رهگذر، امکان محاصره اعراب مخالف با اسرائیل را فراهم آورد. موشه دایان، وزیر جنگ پیشین اسرائیل و یکی از نظریه‌پردازان صهیونیستی، درباره اهمیت بندر ایلات و دریای سرخ اظهار داشت: «این بندر، دروازه اسرائیل بر روی آسیا و آفریقا است».^(۱۸) وی درباره اهمیت کشورهای این منطقه نیز گفته است: «ثبات و امنیت اسرائیل در گرو امنیت و ثبات اتیوپی است».^(۱۹)

۲. منطقه شاخ آفریقا: این منطقه از لحاظ ژئوپولیتیک، امتداد منطقه دریای سرخ و تا حدودی تابعی از ژئوپولیتیک منطقه خاورمیانه، محسوب می‌شود.

کشورهای این منطقه بر تنگه باب‌المندب و خطوط ارتباط و معابر دریایی میان دریای سرخ و اقیانوس هند، اشراف و تحکم دارند. هرگونه رخداد و دگرگونی در این منطقه، به طور محسوسی بر کشتیرانی در دریای سرخ و اقیانوس هند و خطوط نقل و انتقال نفت و کالا از منطقه خلیج فارس به اروپا و منطقه دریای مدیترانه و برعکس، تأثیرات گوناگونی می‌گذارد. در دهه هفتاد، جهان به ویژه منطقه خاورمیانه و دریای سرخ، متأثر از جنگ اوگادن میان اتیوپی و سومالی بوده است و اختلال در روند کشتیرانی در این منطقه، به طور ملموسی مشهود بوده است.^(۲۰) پس از پایان جنگ سرد و تحولات پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا و ناتو اهمیت این منطقه را برای جنگ در قبال تروریسم جهانی درک نموده و یگان‌های نیروی دریایی آلمان، مأموریت یافتند تا از سواحل و آبراه‌های محیط پیرامونی این منطقه، حفاظت کنند و به هرگونه تحرک تروریستی، پاسخ قاطعی بدهند. رژیم صهیونیستی در منازعه خود با جهان عرب، تکیه اساسی بر کشورهای این منطقه دارد.

۳. تنگه باب‌المنذب: تنگه باب‌المنذب ۱۰/۵ مایل پهنا، ۳۵ مایل طول، ۱۲ تا ۱۸۳ متر عمق دارد و تعداد کشتی‌هایی که روزانه از این تنگه می‌گذرند، پیش از ۵۵ فروند است. سواحل دو طرف تنگه متعلق به یمن، اریتره و جیبوتی است. رژیم صهیونیستی برای کنترل این تنگه و کاهش منابع تهدیدزا علیه امنیت ملی خود، اقدام به ایجاد شبکه‌ای از روابط پیچیده با کشورهای مشرف بر این تنگه، نموده است و از این رهگذر، کشورهای اریتره و جیبوتی اهمیت فوق‌العاده‌ای در سیاست منطقه‌ای رژیم صهیونیستی دارند.^(۲۱)

۴. منطقه دریاچه‌های بزرگ: این منطقه و حوزه دره نیل، در ابعاد مختلف برای طرح‌های استراتژیک اسرائیل در منطقه شرق آفریقا، دارای اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی است.^(۲۲) در این منطقه، مهم‌ترین منابع آبی حوزه رود نیل واقع شده که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دریاچه‌های آفریقا و منابع آبی آن محسوب می‌شوند؛ از جمله این دریاچه‌ها، دریاچه تانگانیا، دریاچه کیوو، دریاچه جورج، دریاچه آلبرت و دریاچه معروف ویکتوریا، می‌باشد.^(۲۳) انگیزه‌های سلطه‌جویی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اهمیت موقعیت ژئواستراتژیکی این منطقه پس از جنگ سرد را تحریک نموده است؛ زیرا این منطقه، همانند منطقه هارتلند (قلب) آفریقا می‌باشد و تسلط این منطقه، چیرگی غلبه بر سایر مناطق آفریقا را آسان و میسر می‌گرداند.

پس از پایان بحران منطقه دریاچه‌های بزرگ^(۲۴)، تحولات ژئوپولیتیکی مهمی در این منطقه رخ داده که فرایند آن، دگرگونی‌های برجسته‌ای در مناطق محیط آن به وجود آورده است؛ از جمله:

۱. به قدرت رسیدن توتسی‌ها در رواندا و برون‌دی که با رژیم صهیونیستی مناسبات راهبردی و سنتی دارند.

۲. افزایش هژمونی منطقه‌ای اوگاندا؛ این فزونی با کمک آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده است. رژیم اوگاندا با حمایت از توتسی‌های منطقه، به یک بازیگر منطقه‌ای تبدیل شد و تشکیل کشور بزرگ توتسی‌نژاد و اندیشهٔ بلندپروازانه رهبری اوگاندا در حال پرورش است.

۳. با سقوط موبوتو، دیکتاتور ۳۲ ساله کنگو دموکراتیک (زئیر سابق) و دوست دیرینه فرانسه، هژمونی منطقه‌ای پاریس نیز در این منطقه کاهش یافت.^(۲۵)

۴. از نتایج مهم بحران دریاچه‌های بزرگ، تسلط کامل آمریکا بر این منطقه است که در پرتوی آن، رژیم صهیونیستی جایگاه ممتازی در این منطقه حساس آفریقایی پیدا نمود. در گذشته، رژیم صهیونیستی با کشورهای این منطقه مناسبات گوناگونی داشته و پهنه تأثیرگذاری آن بر جریانات و تحولات این منطقه تا حدی بوده که از خارج دایره، بر روند تحولات این منطقه تأثیرگذار باشد؛^(۲۶) ولی در پایان یافتن بحران و در پرتوی حمایت‌های همه‌جانبهٔ آمریکا، دامنه تأثیرگذاری این رژیم وسیع‌تر شد و به طور مستقیم و از درون دایره منطقه‌ای، روی رخدادهای این منطقه تأثیرگذار است.^(۲۷)

۵. در پی کاهش هیمنه فرانکفون‌ها در این منطقه که با درخشش ستاره انگلوفون‌ها همراه بود، توازن منطقه به سود آمریکا و اسرائیل مختل گردید. این روند، منشأ تحولات و پیامدهای منطقه‌ای بود؛ از جمله شکست جنبش یونیتا، بزرگ‌ترین مخالف حکومت آنگولا که از سوی موبوتو، رئیس جمهور وقت زئیر، حمایت می‌شد. این شکست با کشته شدن ساویمبی، رهبر این سازمان، تکمیل و باعث رهایی آنگولا از جنگ سی ساله و دشمن قوی شد. آمریکا این فرصت را مغتنم شمرده و در منابع

نفتی و گازی این کشور سرمایه‌گذاری هنگفتی کرد؛ به طوری که اکنون، ۷۰ درصد کل تولید نفتی این کشور به آمریکا صادر می‌شود.^(۲۸)

منازعات منطقه‌ای و مناقشات دوجانبه

بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای و مناقشات دوجانبه میان کشورهای منطقه شرق آفریقا، یکی از شاخص‌های سیاسی و امنیتی این منطقه است. تداوم این کشمکش‌ها که عوامل و انگیزه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی دارد، فرصت‌های طلایی برای حضور رژیم صهیونیستی و گسترش و تداوم هژمونی منطقه آن، به وجود آورده است. رژیم صهیونیستی در تشدید و تحریک عوامل و کانون‌های تنش‌های محلی و منطقه‌ای میان کشورهای این منطقه، تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی داشته است. به طور خلاصه به این منازعه‌ها و مناقشه‌ها در زیر اشاره می‌شود:

۱. بحران‌های محلی سودان

الف: مسأله جنوب سودان: بحران و جنگ داخلی جنوب سودان که حدود ۴۵ سال به طول انجامید و هنوز برخی پیامدهای آن ادامه دارد، برای خارطوم در ابعاد امنیتی - نظامی، سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - توسعه‌ای، مشکلات عدیده‌ای به وجود آورده است.^(۲۹)

اختلافات قومی، نژادی و مذهبی، مهم‌ترین عامل محلی و داخلی این بحران بود^۱ و در بُعد منطقه‌ای، دخالت همسایگان به ویژه اوگاندا، کنیا، اتیوپی و اریتره، در گسترش دامنه بحران نقش اساسی داشته و رژیم صهیونیستی با حمایت از گروه‌های شورشی جنوب سودان، بزرگ‌ترین نقش منطقه‌ای را در این بحران ایفا می‌کند.^(۳۰) تفکیک کشور سودان به مناطق محلی و قومی و نابودی یکپارچگی این کشور، بخشی از سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی است.^(۳۱) الیعازر ادلشتاین، استاد علوم سیاسی دانشگاه بار ایلان اسرائیل در کتاب خود «سلاح‌های اسرائیل در جهان»^۲، اسنادی فاش نموده که براساس آن موساد در مذاکرات با رهبران جنبش آزادی‌بخش سودان به رهبری کارانگ، به این نتیجه رسیده است که رژیم اسرائیل در قبال دریافت امتیازات و تسهیلات کشف و استخراج نفت در جنوب سودان، به این گروه مسلح، تجهیزات و کمک‌های نظامی لجستیکی بدهد. ژنرال شاؤول دهان، دبیر کل وزارت دفاع اسرائیل، در اکتبر ۲۰۰۱ در مذاکرات خود با رهبران شورشیان جنوب سودان موفق شد، امتیازات نفتی در منطقه جنوب سودان را برای شرکت نفتی مشترک اسرائیل - چین «میدیر و نیفت»، در مقابل فروش اسلحه و تجهیزات به این گروه‌ها به دست آورد.^(۳۲)

ب: بحران دارفور: بحران دارفور در غرب سودان و در مرزهای مشترک سودان با لیبی، چاد و آفریقای مرکزی، ریشه‌های تاریخی و اجتماعی پیچیده دارد. مقامات مسئول سودانی، در این زمینه دخالت گروه‌های شورشی در جنوب سودان به رهبری کارانگ و کشورهایی همچون اریتره و اسرائیل را به عنوان قدرت‌های محلی و منطقه‌ای

۱. در منطقه جنوب سودان بیش از ۵۷۹ قبیله با ۴۰۰ زبان و لهجه، زندگی می‌کنند و در چارچوب آیین ادیان اسلامی، مسیحی و آفریقایی در حال همزیستی مشترکند.
 ۲. این کتاب در اواخر ژوئیه سال ۲۰۰۲ منتشر شده است.

و آمریکا به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای، عامل مهمی در افزایش گستره بحران این منطقه دانسته و بر دخالت صهیونیست‌ها در این بحران بیشتر پافشاری می‌کنند.

ج: بحران مردم شرق سودان: ریشه‌های بحران این منطقه تا حدودی زیادی شبیه بحران جنوب سودان و منطقه دارفور است. قبیله البجا که بزرگ‌ترین قبیله منطقه است، خواهان اعطای حقوق و امتیازات سیاسی و اقتصادی برای مردم این منطقه است. نقش اریتره به طور شفاف در تحریک و هدایت این بحران آشکار است.^(۳۳) مردم شرق سودان در اعتراضات آشکار خود، خواهان اعطای امتیازات همسان با مردم جنوب سودان و دارفور هستند.

۲. بحران مرزی اریتره و اتیوپی

در می ۱۹۹۸، منطقه شرق آفریقا شاهد یک درگیری مرزی میان ارتش اریتره و اتیوپی بوده است. بهانه اولیه جنگ، ادعای ارضی یک منطقه مرزی به مساحت ۴۰۰ کیلومتر مربع بود که فاقد ارزش اقتصادی و جایگاه راهبردی بوده است. خلاصه انگیزه‌ها و علل این بحران به شرح زیر است:

علل راهبردی

اتیوپی از کاهش هژمونی منطقه‌ای خود، نگران بوده و از محصور بودن در خشکی بسیار رنج می‌برد.

علل سیاسی

الف: اریتره احساس می‌کرد که آمریکا توجه منطقه‌ای و جهانی به آن دارد.
ب: اریتره به نوعی احساس انزوای منطقه‌ای می‌کرد که از سوی اتیوپی به آن تحمیل شده است.

ج: رقابت میان اسمره و آدیس آبابا بر سر گسترش نفوذ و قدرت منطقه‌ای.

علل اقتصادی

الف: انتشار یافتن پول ملی به نام «نفاکه» توسط اریتره در سال ۱۹۹۷ و لغو استفاده از «بیر» واحد پولی اتیوپی.

ب: اتیوپی تجارت خود را به بندر جیبوتی منتقل کرده و از این رهگذر، اقتصاد اریتره را دچار خسارات فراوانی نموده است.

ج: اتیوپی، دیون خود را با دلار از اریتره مطالبه می‌کرد.

این درگیری مرزی در می ۱۹۹۸ آغاز شد و دو طرف را متحمل تلفات جانی و مادی فراوانی نموده است.

در فوریه ۲۰۰۱، دو طرف در الجزیره موافقتنامه صلح و آتش‌بس را امضا نمودند، ولی به دلیل عدم اجرای کامل این موافقتنامه، اکنون روابط میان دو طرف متشنج است. (۳۴)

۳. بحران سومالی

از زمان فروپاشی نظام زیاد باره در اوایل ۱۹۹۱، بحران این کشور با دخالت عوامل داخلی و خارجی هنوز ادامه دارد. مهم‌ترین عوامل جنگ داخلی سومالی به شرح زیر است:

الف: نظام قبیله‌ای: قبایل مختلف سومالی برای تصاحب ثروت و قدرت در حال

جنگ و رقابت هستند.

ب: فروپاشی دولت: دولت ملی در این سرزمین از زمان استقلال آن در دهه شصت، از اقتدار و پرستیژ مناسبی برخوردار نبوده و عواملی همچون قبیله‌گرایی و محلی‌گرایی، موانع اساسی در تعامل و تشکل ساختار دولت ملی بوده است.

ج: انگیزه‌های اقتصادی: سومالی، یکی از کشورهای فقیر جهان است و فقر، عامل مهم توسعه نیافتگی این کشور می‌باشد.

د: ضعف وفاق ملی: قبیله‌گرایی، مانع اصلی وفاق ملی است.

ه: فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد: این روند جهانی، تأثیرات و پیامدهای فراوانی روی دگرگونی‌های سومالی داشته است.

ز: گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و جنگ سالاران: گروه‌های سیاسی مسلح که هر کدام به یک قدرت محلی و یا قبیله منسوب هستند، عامل مهمی در بی‌ثباتی و عدم استقرار امنیت در این کشور بوده و مانع اصلی تشکیل یک دولت ملی فراگیر است.^(۳۵)

۴. بحران دریاچه‌های بزرگ

جنگ‌های داخلی کنگو دموکراتیک و آنگولا و دخالت عوامل مختلف و در سطوح متفاوت، محیط را برای تنش و ایجاد یک بحران منطقه‌ای و با دامنه وسیعی، فراهم می‌سازد. این بحران در شاخص‌های راهبردی و امنیتی کلان آن، در حقیقت رقابت میان فرانسه و آمریکا بوده و در پایان این بحران که حدود ۵ میلیون قربانی داشته، فرانسه از منطقه شکست خورده و خارج گردید و واشنگتن با اولین حضور جدی خود در قاره آفریقا، پیروزی خود را جشن گرفت. با پایان این بحران، این منطقه شاهد دگرگونی وسیع ژئوپولیتیکی بوده است. فرانکفونی که حضور تاریخی و سنتی در منطقه داشت، در پایان این بحران رنگ باخت و گام به گام در حال عقب‌نشینی از منطقه است و لوران کابیلا که

در پی سقوط موبوتو به قدرت رسید، تنها از سوی کشورهای انگلوفونی به رسمیت شناخته شد و کشورهای فرانکفونی منطقه، در پذیرش کابیلا تعلل می‌کردند و تحفظات پاریس را در تعامل با این چهره جدید مورد توجه داشته‌اند.^(۳۶) از شاخص مهم ژئوپولیتیک پایان بحران این منطقه، تأکید مجدد بر اصطلاح سیاسی «شاخ آفریقای بزرگ» و در ادبیات راهبردی آمریکا، این منطقه تداوم و استمرار منطقه شرق آفریقا یا «شاخ آفریقای بزرگ» است.

مناقشات دوجانبه

اغلب مناقشات دوجانبه میان کشورهای منطقه، حاصل میراث استعماری و اختلافات مرزی و ارضی بوده و عوامل داخلی و محلی همچون سلطه‌جویی و هژمون‌طلبی برخی رهبران کشورهای این منطقه، نقش مؤثری در این مناقشه‌های دوجانبه، ایفا می‌کنند. گاهی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، برخی کشورهای وابسته به خود را وادار به جنگ نیابتی می‌کنند و از این رهگذر، تداوم این منازعات و مناقشات، ثبات و امنیت منطقه را ناپایدار می‌کند و هزینه‌های امنیتی و نظامی کشورهای منطقه را که اغلب از جمله کشورهای فقیر جهان هستند، افزایش می‌دهد و بازار رقابت تسلیحاتی میان این کشورها، رونق می‌گیرد. تداوم بی‌ثباتی در منطقه، حضور سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در شرق آفریقا پایدار و صنایع نظامی و کالاهای لجستیکی این رژیم را فعال می‌سازد و از این رهگذر، دولت صهیونیستی به برخی نیازمندی‌های راهبردی خود پاسخ مثبتی خواهد داد.

نمونه‌های شاخص از مناقشات دوجانبه عبارت است از:

۱. **اریتره - اتیوپی:** با وجود امضای قرارداد ترسیم مرزها میان دو کشور در ۱۳ آوریل ۲۰۰۲، دو طرف از اجرا نشدن مفاد قرارداد صلح الجزیره و قرارداد فوق، شکایت داشته و همدیگر را متهم به اخلال در اجرای موافقتنامه صلح الجزیره می‌کنند. تداوم این تنش، تأثیرات منفی امنیتی، سیاسی و اقتصادی بر تحولات دو کشور دارد.

۲. **اریتره - سودان:** سودان، اریتره را متهم به دخالت در امور داخلی خود می‌کند. حمایت اسمره از گروه‌ها و سازمان‌های مخالف خارطوم، از جمله عوامل تنش میان دو طرف است. لیبی تلاش‌های زیادی برای کاهش تنش میان دو کشور نموده است و بازگشایی سفارتخانه‌ها و از سرگیری روابط میان دو کشور، بارقه‌ای از کاهش تنش میان اسمره - خارطوم است.

۳. **اریتره - یمن:** روابط میان صنعا و اسمره، هنوز اسیر تراکم اختلافات مرزی و ارضی میان دو کشور است. اریتره هنوز از سوی یمن به خاطر عدم اجرای توافقنامه پاریس متهم است. اختلافات ارضی بر سر جزایر حنیش بزرگ و حنیش کوچک، زمینه را برای سردی روابط و ایجاد تنش در مناسبات دو کشور برای همیشه مساعد و مهیا می‌سازد.

در این مناقشه، رژیم صهیونیستی همیشه از اریتره حمایت کرده و یمنی‌ها ادعا دارند که نیروی دریایی رژیم صهیونیستی در اشغال جزایر حنیش بزرگ و کوچک توسط نظامیان اریتره، نقش فعالی داشته است.

۴. **اریتره - سومالی:** اریتره در ادبیات سیاسی، رسانه‌ها و تبلیغات خود، وضعیت سومالی و بحرانی شدن این کشور را حاصل توسعه‌طلبی منطقه‌ای اتیوپی می‌داند و در محافل بین‌المللی، دخالت اتیوپی در امور داخلی سومالی را عامل مهمی در تداوم وضعیت بحرانی مگادیشو می‌داند.

۵. اریتره - جیبوتی: اریتره و جیبوتی، اشتراک فراوان و منافع گوناگونی برای توسعه همکاری دارند. اریتره، هیچ‌گاه در راستای تضعیف جیبوتی اقدام نمی‌کند؛ زیرا به نظر اسمره، تضعیف جیبوتی باعث رشد نهضت اپوزیسیون عفری‌ها می‌شود. قبیله عفار در جیبوتی در طول تاریخ معاصر خود، سعی در وحدت با عفری‌های اریتره و اتیوپی و تشکیل یک دولت ملی، داشته است.

۶. سودان - ایتوپی: به رغم وجود رقابت تاریخی و سنتی میان خارطوم و آدیس‌آبابا، دشمنی دو طرف با تحركات منطقه‌ای و بلندپروازی‌های آسیاس افورکی، باعث وحدت دیدگاه در قبال سیاست‌های منطقه‌ای اریتره بوده و دو کشور به همراه سومالی و یمن، تجمع کشورهای صنعا را تشکیل می‌دهند. اریتره این تجمع را بر ضد خود می‌داند؛ از این رو هیچ‌گاه دعوت یمن را برای عضویت در این تجمع منطقه‌ای نپذیرفته است.^(۳۷)

۷. سودان - جیبوتی: میان دو کشور، مرزهای مشترکی وجود ندارد. دیدگاه سودان در قضیه بحران سومالی و ترتیبات امنیت دریای سرخ و تنگه باب‌المندب و چگونگی مناسبات خارطوم - اسمره برای جیبوتی اهمیت دارد.

۸. سودان - سومالی: سیاست سودان در قبال سومالی، در راستای ثبات و استقرار یک دولت ملی و فراگیری در مگادیشو است. به رغم اینکه خارطوم در مذاکرات طرفهای سومالی و دیگر کشورهای منطقه مانند کنیا حضور ندارد، ولی از سوی آمریکا و برخی کشورهای منطقه در حمایت از گروه‌های اسلام‌گرای سومالی متهم است.

۹. سودان - کنیا: نایروبی نقش مؤثری در مدیریت و رهبری تجمع کشورهای «ایگاد» و طرح آن برای حل قضیه جنوب سودان، داشته است. کنیا، میزبان مذاکرات طولانی دولت مرکزی سودان و گروه‌های مسلح جنوب سودان بود و توافق اخیر میان خارطوم و گروه کارانگ، حاصل اهتمام نایروبی به مسائل سودان است. کنیا علاوه بر

مسأله جنوب سودان، در حل قضیه سومالی و تشکیل دولت ملی جدید نیز نقش اساسی داشته و از این رهگذر، گستره هژمونی منطقه‌ای و نقش بازیگری خود را توسعه داده است.^(۳۸)

۱۰. اتیوپی - کنیا: دو کشور، هنوز به توافقات دفاع مشترک امضا شده در دوران حاکمیت هیلاسلاسی، پایبند هستند. میان دو کشور در قبال قضیه سومالی و جنگ علیه تروریسم و قضایای مربوط به آوارگان و امنیت دو کشور، هماهنگی وجود دارد.

۱۱. اتیوپی - جیبوتی: روند روابط میان دو کشور از سال ۱۹۹۱ رو به پیشرفت است و در آستانه بحران و جنگ مرزی میان آسمره و آدیس‌آبابا، روابط اتیوپی با جیبوتی توسعه شتابزده‌ای داشت. جیبوتی در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۲ اتیوپی را متهم به مداخله در قضایای سومالی می‌کرد.

۱۲. اتیوپی - سومالی: اتیوپی از دیرباز نسبت به سومالی و سرزمین‌های تابعه آن، نظر داشته است و سه بار در سالهای ۱۹۹۶، ۱۹۸۰ و ۱۹۷۷ بر سرزمین اوگادن میان دو کشور برخورد نظامی رخ داده است. اتیوپی به بهانه مبارزه با تروریسم جهانی، در امور داخلی سومالی دخالت داشته است.

۱۳. جیبوتی - سومالی: قرارداد "عرتا" در جیبوتی نقش مؤثری در تشکیل دولت موقت پیشین سومالی به ریاست صلاح حسن داشته است. همچنین این کشور نقش مؤثری در مشروعیت دادن به رژیم جمهوری «سرزمین سومالی» داشت و جیبوتی، اولین کشور میزبان طاهر ریال، رئیس جمهور وقت این کشور، بوده است.

۱۴. کنیا - سومالی: دولت کنیا، میزبان مذاکرات گروه‌ها و جریان‌های سیاسی سومالی در جهت تشکیل دولت و پارلمان بوده است. این کشور با میزبانی از مذاکرات قضیه سومالی و سودان، در پی کسب پرستیژ منطقه‌ای است. نایروبی پس از یازدهم

سپتامبر و در پی همکاری‌ها و هماهنگی‌های وسیعی با آمریکا در جنگ علیه تروریسم، نقش فزاینده‌ای در منطقه پیدا کرد.

۱۵. کنیا - جیبوتی: دو کشور، دارای همگرایی منطقه‌ای و همکاری دوجانبه‌اند. هر دو برای میزبانی نیروهای دریایی ناتو برای مبارزه با تروریسم و ارائه تسهیلات به نیروهای آمریکایی و متحدان آن جهت تقویت آمریکا در جنگ علیه تروریسم جهانی، در حال رقابت هستند؛ ولی در قبال قضیه سومالی دیدگاه‌های همگونی دارند.

تأثیرهای نظام جدید جهانی بر منطقه شرق آفریقا

فروپاشی شوروی و انحلال نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد، تأثیرات ژرفی بر منطقه شرق آفریقا بر جای گذارده است.^(۳۹) این دگرگونی‌ها که از دوران جنگ جهانی دوم، بی‌سابقه بوده، در ابعاد و زمینه‌های مختلف بر روند جامعه و سیاست و اقتصاد کشورهای این منطقه، تأثیرات گوناگون گذاشته است. شاخص‌ترین تحولات منطقه‌ای پس از فروپاشی نظام دو قطبی، عبارت است از:

۱. زوال نظام‌های سوسیالیستی تمامیت‌خواه: در پی فروپاشی شوروی، زمینه‌های سرنگونی و سقوط رژیم سوسیالیستی اتیوپی به رهبری منگیستو هایله ماریام فراهم آمد. از نتایج این سرنگونی، استقلال اریتره و پیروزی جبهه آزادی‌بخش مردم اریتره به رهبری آسیاسی افورکی و سقوط ایدیولوژی مارکسیستی در اتیوپی و روی کارآمدن یک دولت ملی در آدیس‌آبابا بود.

۲. کثرت‌گرایی سیاسی: در تمام کشورهای منطقه، نظام تک‌حزبی، عرصه سیاست کشور را به سود نظام سیاسی کثرت‌گرایی واگذار نمود. استقرار نظام کثرت‌گرایی

سیاسی نه تنها موجب ثبات و امنیت منطقه نشد، بلکه آشفتگی و بی‌ثباتی سیاسی را نیز در این منطقه گسترش داده است.

سرنگونی رژیم مستبد محمد زیاد باره، نقش مؤثری در فروپاشی دولت ملی و گسترش بی‌ثباتی سیاسی داشت. این روند، سبب رشد قبیله‌گرایی، محلی‌گرایی، نژادپرستی و تشدید تضادهای منطقه‌ای و مذهبی گردیده است. تداوم رشد قبیله‌گرایی و تشدید تضادهای منطقه‌ای، وحدت ملی را به خطر انداخته است.

۳. گسترش بی‌ثباتی سیاسی: کثرت‌گرایی و نظام چندحزبی در منطقه شاخ آفریقا و دریاچه‌های بزرگ آفریقا، با تنش‌های محلی و منطقه‌ای همراه بوده است. تضاد میان الگوهای سیاسی تحمیل شده از سوی غرب و شاخص‌های تاریخی و سنت‌های اجتماعی و فرهنگی این منطقه، سبب رشد قبیله‌گرایی، نژادپرستی و تضادهای منطقه‌ای و مذهبی گردیده است. حاصل این تضادها و تناقض‌های سیاسی و اجتماعی در منطقه، امواجی از بی‌ثباتی و ناامینتی بوده و بحران‌های موجود در این منطقه، حاصل این دگرگونی‌هاست.^(۴۰)

۴. رشد و نمو جنبش‌ها و جریانات اسلام سیاسی: جریانات مذهبی منطقه، به طور سنتی تحت تأثیر کشورهای عربی منطقه همچون سودان، مصر، عربستان سعودی و لیبی بوده است. در گذشته، طریقت‌های صوفیه از سودان و لیبی به داخل منطقه شرق آفریقا گسترش می‌یافته و در تاریخ معاصر، افکار و اندیشه‌های اخوان المسلمین مصر و جریانات نیوسلفی عربستان سعودی و یمن و جریانات اسلام سیاسی و اسلام جهادی (سلفی) با سیاست مستبدانه دولت‌های سکولار رو به رو بوده است. فرایند این تضاد و برخورد، نتایج منفی بر روند تحولات محلی و منطقه‌ای داشته است. افزایش اقتدار اسلام سیاسی در سومالی و سودان، توازن سیاسی و امنیتی منطقه را تا حدودی مختل کرده و

تنش‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه به ویژه منطقه شاخ آفریقا را تشدید نموده است.^۱

افزایش هزینه‌های تسلیحاتی برخی کشورهای منطقه

سودان: در پی تشدید درگیری‌های نظامی میان دولت مرکزی و گروه‌های مسلح جنوب سودان، هزینه‌های نظامی کشور به شدت افزایش یافت. براساس آمارهای منتشرشده، بودجه دفاعی سودان از ۲۴۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۸ به ۴۲۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ رشد کرده است. افزایش درآمد نفتی سودان،^۲ نقش مؤثری در افزایش بودجه نظامی این کشور داشته است.

اتیوپی: جنگ و برخوردهای مرزی در می ۱۹۹۸ میان این کشور و اریتره، علاوه بر زیانهای سیاسی و انسانی، بیش از ۲/۹ میلیارد دلار به اقتصاد فقیر این کشور صدمه رساند. افزایش حجم نیروی نظامی کشور از ۶ هزار نظامی به ۳۵۰ هزار سرباز در ۱۹۹۸، هزینه نظامی این کشور را به صورت نجومی افزایش داد.^۳ اتیوپی برای تأمین ارتش ۱۵۲/۵ هزار نفری خود در سال ۱۹۹۹، مبلغ ۴۴۴ میلیون دلار اختصاص داده و در سال ۲۰۰۰ آن را به ۴۵۷ میلیون دلار افزایش داده است.

اریتره: نیروی نظامی اریتره در هنگام جنگ با اتیوپی ۲۵۰ هزار نفر بود و اکنون به ۱۷۰ هزار نفر کاهش یافته است. ولی حجم بودجه نظامی از ۳۰۹ میلیون دلار در سال

۱. روزنامه‌های غربی به ویژه نشریات و مطبوعات مصر، سودان و عربستان سعودی.

۲. در سال ۲۰۰۶ تولید روزانه نفت سودان به ۵۰۰ هزار بشکه افزایش یافت.

۳. در سال ۱۹۹۷، هزینه نظامی اتیوپی بالغ بر ۹۵ میلیون دلار بوده که در سال ۲۰۰۰ به ۷۷۷ میلیون دلار رشد نمود.

۱۹۹۹ به ۳۶۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ رشد کرده است. آمریکا نیز در این راستا حجم کمک‌های نظامی خود به اریتره را از $۰/۴$ میلیون دلار در سال ۱۹۹۹ به $۱/۴$ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش داده است.^(۴۱)

اوگاندا: بلند پروازی‌های منطقه‌ای موسومینی، رئیس‌جمهور اوگاندا، و درگیری‌های مسلحانه حکومت مرکزی با گروه‌های مسلح مخالف، نقش کلیدی در روند افزایش بودجه نظامی این کشور داشته است. براساس آمار اعلام شده از سوی دولت اوگاندا، بودجه نظامی کشور در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۱۳۲ میلیون دلار بود و در سال ۲۰۰۱ به ۱۱۵ میلیون دلار کاهش یافته، ولی اکنون بودجه نظامی این کشور به ۲۵۱ میلیون دلار رسیده است. این مبلغ ۵۰ درصد کل بودجه کشور را شامل می‌شود؛ در صورتی که اوگاندا فقط ۲ درصد کل بودجه را برای مبارزه با فقر و ارتقای سطح معیشتی شهروندان خود، اختصاص داده است. به خاطر دخالت اوگاندا در جنگ منطقه دریاچه‌های بزرگ، این کشور سالانه ۶۰ میلیون دلار متحمل زیان می‌شده است.^(۴۲)

توازن قدرت در منطقه شرق آفریقا «شاخ آفریقای بزرگ»

این منطقه، شامل هفت کشور با جمعیتی حدود ۱۷۰ میلیون نفر است. مساحت این منطقه بالغ بر $۱۷/۵$ درصد کل قاره آفریقا است. حجم نیروهای مسلح این کشورها حدود ۶۳۰ هزار نفر و در مقابل، گروه‌ها و سازمان‌های مخالف و جدایی‌طلب، در حدود ۷۰ هزار نفر توان نظامی دارند. میان کشورهای این منطقه مشکلات مرزی و اختلاف سرزمینی وجود دارد. فرانسه پایگاه نظامی در جیبوتی دارد و میان کشورهای این منطقه یک ائتلاف منطقه‌ای با عنوان «تجمع کشورهای ایگاد» وجود دارد که در سال ۱۹۸۳

تشکیل یافته و مصر، انگلیس، آمریکا، آلمان و فرانسه شرکای فرامنطقه‌ای این سازمان منطقه‌ای هستند.

درباره حجم نیروی نظامی کشورهای منطقه می‌توان به طور خلاصه به نکات زیر اشاره نمود:

اریتره: نیروی زمینی ارتش این کشور در پی کاهش تنش مرزی با ایتوبی، از ۲۳۰ هزار نیروی نظامی به ۱۷۰ هزار سرباز کاهش یافته است و نیروی زرهی آن از ۸۰ به ۱۰۰ تانگ، رشد اندکی داشته است. نیروی هوایی آن از ۱۰۰۰ پرسنل به ۸۰۰ نفر کاهش یافته است، ولی نیروی دریایی آن که بزرگ‌ترین قدرت دریایی منطقه است، از ۱/۱ هزار نفر به ۱/۴ هزار نیروی نظامی رشد داشته است.

اوغاندا: حجم ارتش این کشور از ۳۵ هزار پرسنل در سال ۲۰۰۰ به ۵۵ هزار نفر در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است و قدرت زرهی آن در حدود ۱۶۰ تانک است. نیروهای مسلح مخالف رژیم این کشور در حدود ۲۰۰۰ نفر هستند.

کنیا: پس از حادثه انفجار سفارت آمریکا در نایروبی در سال ۱۹۹۹ و انفجارات مومباسا، این کشور به افزایش حجم نیروی مسلح و بودجه نظامی کشور پرداخته و حجم نیروی زمینی را از ۱۸۲ هزار سرباز به ۲۰ هزار سرباز و نیروی دریایی را از ۱۰۰۰ پرسنل به ۱۴۰۰ پرسنل افزایش داده است.

جیبوتی: فرانسه در این کشور کوچک شاخ آفریقا، ۲ گردان پیاده و ۲ گروهان نیروی زرهی و یک گروهان توپخانه زمینی و یک گروهان پدافند هوایی و یک اسکادران هوایمای جنگنده دارد.

سومالی: پس از سرنگونی رژیم زیاد باره و فروپاشی سومالی به عنوان دولت، ارتش آن نیز دچار انحلال گردیده است. اکنون قبایل و جنگ سالاران مناطق مختلف سومالی دارای گروه‌های مسلح هستند.

سودان: از دوران استقلال سودان در نیمه دهه پنجاه تاکنون، قدرت سیاسی در دست نیروهای مسلح بوده و بودجه نظامی و حجم ارتش این کشور به دلیل تنش این کشور با همسایگان به ویژه اریتره و اوگاندا و همچنین بحران‌های داخلی، همیشه در حال افزایش است.

منطقه دریاچه‌های بزرگ: این منطقه در ابعاد مختلف، ارتباطات راهبردی و سیاسی با منطقه شاخ آفریقای بزرگ دارد و از دیدگاه آمریکا این منطقه، امتداد شاخ آفریقا بزرگ است. این منطقه بخش عظیمی از منطقه آفریقای میانه است که شامل ۱۱ کشور با جمعیتی بالغ بر ۱۱۵ میلیون نفر می‌باشد. تانزانیا، اوگاندا و سودان ارتباطات سنتی و مرزی با منطقه دریاچه‌های بزرگ دارند. در پی بحران دریاچه‌های بزرگ که بازنده بزرگ آن فرانسه بوده، تحولات ژرفی در توازن نظامی و راهبردی در این منطقه رخ داده است. افزایش حجم نیروهای نظامی و رشد بودجه نظامی و رقابت تسلیحاتی میان کشورهای این منطقه، از مهم‌ترین شاخص‌های این دگرگونی‌ها می‌باشند^(۴۳) و امنیت و ثبات، بزرگ‌ترین دغدغه‌های سیاسی و راهبردی کشورهای این منطقه است.

اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی اسرائیل درباره منطقه شرق آفریقا

اهداف سیاسی

۱. خروج از انزوای منطقه‌ای و شکست طرح‌های اعراب برای محاصره و منزوی

نمودن این رژیم؛

۲. تکاپو برای افزایش حجم مشروعیت بین‌المللی و منطقه‌ای؛
۳. توسعه روابط سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای منطقه به عنوان مدخلی برای گسترش مناسبات اقتصادی و امنیتی میان تل‌آویو و این منطقه؛
۴. بهره‌برداری از توسعه روابط با کشورهای این منطقه جهت تلطیف افکار عمومی مردم این منطقه و زدودن تأثیرات منفی تبلیغات کشورهای اسلامی و عربی علیه این رژیم.
۵. کسب حمایت سیاهان آمریکایی از رهگذر افزایش و توسعه مناسبات میان صهیونیست‌ها و کشورهای قاره سیاه^(۴۴)

اهداف اقتصادی

۱. گشایش بازارهای کشورهای منطقه برای کالاهای صادراتی اسرائیل. از این رهگذر تلاشی می‌شود درآمد ارزی این رژیم افزایش یافته و کسری مبادلات بازرگانی به حداقل برسد.
۲. گشودن بازارهای منطقه برای ورود خدمات مهندسی و فنی اسرائیل.
۳. افزایش حجم سرمایه‌گذاری رژیم صهیونیستی در معادن استراتژیک این منطقه به ویژه معادن خام همچون طلا، مس، نفت و الماس و اورانیوم. تلاشی می‌شود از این راه نیازمندی‌های صنایع پایه این رژیم تأمین گردد.^(۴۵)

اهداف امنیتی - نظامی

۱. تلاش برای داشتن سهم قابل توجهی در بازار واردات اسلحه به کشورهای این منطقه. به ویژه این منطقه شاهد تحولات شتابزده و دارای شاخص‌های فراوان بی‌ثباتی است.
۲. افزایش گستره همکاری امنیتی و اطلاعاتی میان دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل به ویژه موساد و نهادهای امنیتی - اطلاعاتی کشورهای منطقه.^(۴۶)
۳. افزایش فرصت‌ها برای همکاری راهبردی میان این رژیم و آمریکا در پهنه این منطقه و همچنین تلاش برای افزایش هژمونی منطقه‌ای و جهانی آمریکا در این قاره.
۴. تشویق جنبش‌ها و جریانات جدایی‌خواه و بهره‌وری از اختلافات قبیله‌ای و نژادی و قومی میان ملل این کشورها. این اقدامات برای رژیم صهیونیستی سودهای متنوعی و فراوانی (اقتصادی - نظامی) دارد.
۵. تلاش برای صدمه زدن به روابط و همکاری و همبستگی میان اعراب و کشورهای این منطقه و ایجاد منابع تهدیدزا برای امنیت ملی کشورهای عربی همچون سودان و مصر.^(۴۷)

مناسبات اسرائیل و کشورهای منطقه

اتیوپی

اسرائیل و اتیوپی، روابط گسترده و تاریخی در ابعاد مختلف دارند. بررسی مناسبات میان دو کشور نیازمند به یک مقاله جداگانه دارد؛ ولی به طور خلاصه می‌توان اهمیت اتیوپی را در سیاست‌های منطقه‌ای اسرائیل چنین بیان نمود:

۱. *بعد موقعیت راهبردی: اتیوپی*، در منطقه شاخ آفریقا بزرگ دارای موقعیت راهبردی است و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، به طور سنتی در منطقه شرق آفریقا و جنوب دریای سرخ، نقش ایفا می‌کند و در توازن منطقه‌ای و ترتیبات امنیتی منطقه شاخ آفریقا عنصر فعال و مهمی است و رژیم اسرائیل در مراحل مختلف تاریخ معاصر اتیوپی، از این کشور در موازنه سیاسی و نظامی در قبال مصر نهایت استفاده را نموده است.^(۴۸)

۲. *بعد جمعیتی: این کشور*، موطن یهودیان فلاشه می‌باشد که قبيله گمشده یهودیان در آفریقا است. رژیم صهیونیستی با همکاری قابل توجه آمریکا و رژیم‌های سودان و اتیوپی از سال ۱۹۸۴ توانست بیش از ۱۰۰ هزار یهودی اتیوپی را به فلسطین اشغالی کوچ دهد و قرار شد تا ۲۰۰۷، ۲۰ هزار یهودی باقی مانده به فلسطین اشغالی منتقل شوند.^(۴۹) این اقدام، تأثیرات جمعیتی در فلسطین اشغالی داشته و رژیم صهیونیستی توانسته آنها را در سیاست‌های ضد مردم فلسطین بکار ببرد و ضعف جمعیتی خود را تا حدودی بپوشاند.

۳. *منابع آبی دره رود نیل*: ۸۵ درصد کل منابع آبی رود نیل سودان و مصر، از سرچشمه‌ها و دره‌های کشور اتیوپی تأمین می‌شود. هرگونه خللی در روند آبیاری مصر و سودان، به منزله فاجعه‌ای برای دو کشور است. رژیم صهیونیستی تلاش‌های زیادی نموده تا از راه کمک فنی و مهندسی به نظام آبی اتیوپی و کشاورزی آن، ضربات مستقیم و غیرمستقیمی به امنیت ملی خارطوم و قاهره وارد سازد.^(۵۰)

اریتره

استقلال اریتره در سال ۱۹۹۳ و به قدرت رسیدن آسیاسی افورکی، حاصل تحولات منطقه پس از پایان جنگ سرد و نیز دخالت آمریکا و اسرائیل بوده است.

استقلال اریتره، منظومه امنیت دریای سرخ و منطقه شاخ آفریقا را پیچیده کرد. روابط همه جانبه اسرائیل و آسیاسی افورکی و اهتمام فزاینده آمریکا به منطقه شاخ آفریقا، بسترساز توسعه نقش بازیگری اریتره در منطقه، شد و این تحول، موجب برهم خوردن توازن منطقه‌ای شاخ آفریقا شده است. جنگ مرزی اریتره - اتیوپی کل منطقه شاخ آفریقا و جنوب دریای سرخ را از لحاظ امنیتی به خطر انداخته و بحران‌های محلی را تشدید کرده است. بلندپروازی‌های افورکی، موجبات ائتلاف مصلحتی و موقت علی‌عبدالله صالح، رئیس جمهوری یمن، ژنرال عمرالبشیر رئیس‌جمهوری سودان و ملیس‌زناوری، نخست‌وزیر اتیوپی، حول محور صناعا شده است.^(۵۱)

این کشور به دلایل راهبردی و سیاسی، جایگاه ممتازی در سیاست منطقه‌ای اسرائیل دارد و تجربه نشان داده است که این کشور آمادگی دارد تا به نیابت از رژیم صهیونیستی، برنامه‌ها و سیاست‌های راهبردی اسرائیل را در منطقه پیاده کند. مناسبات دو کشور در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف، در حال تکامل و پیشرفت است و اریتره تسهیلات فوق‌العاده‌ای به حضور نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی داده است.^(۵۲)

جنوب سودان

رژیم صهیونیستی از دیرباز برای تقویت نفوذ خود در منطقه دره رود نیل، توجه ویژه‌ای به برقراری روابط با قبایل و گروه‌های جنوب سودان که با دولت مرکزی در حال جنگ بودند، داشت. در همین راستا، اسرائیل روابط سنتی با قبیله دینکا در جنوب سودان داشت و از رهگذر همین روابط، توانست نقش خود را در مسائل سودان به ویژه بحران جنوب سودان، توسعه دهد.^(۵۳) مراحل همکاری و روابط رژیم صهیونیستی را با شورشیان جنوب، می‌توان به پنج دوره اصلی تقسیم نمود:

۱. دوره اول: در دهه پنجاه، رژیم صهیونیستی کمک‌های دارویی و مواد غذایی به شورشیان می‌نمود.

۲. دوره دوم: ارتش اسرائیل به نیروهای شورشی انانیا آموزشی چریکی و کمک‌های نظامی و لجستیکی داد و در دهه شصت، مراکزی برای آموزش نظامی شورشیان جنوب سودان در اتیوپی ایجاد نمود.

۳. دوره سوم: در دهه هفتاد و هشتاد، رژیم صهیونیستی برای شورشیان جنوب سودان به ویژه گروه سرهنگ گارانگ، سلاح تهیه می‌کرد و از طریق اتیوپی و اریتره این سلاح‌ها را به شورشیان جنوب سودان می‌رساند.

۴. دوره چهارم: حمایت اسرائیل از جنوب سودان توسعه یافت. در همین رابطه، سفیر اسرائیل در کشور زئیر از سال ۱۹۹۰ مأموریت روابط با گارانگ را بر عهده داشت.

۵. دوره پنجم: اسرائیل سیاست سلاح در مقابل تسهیلات نفتی در جنوب سودان را پیدا کرد و از این رهگذر، امتیازات نفتی از گارانگ گرفت.^(۵۴)

جیبوتی

موقعیت حساس و راهبردی جیبوتی در شاخ آفریقا و تنگه باب‌المنذب و همسایگی آن با کشورهای اریتره و سومالی، جایگاه این کشور کوچک را در سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی بسیار مهم نموده است.

وجود دو گروه اصلی نژادی: نخست، عیساها که ریشه سومالیایی دارند^۱ و دیگری، عفارها که ریشه اتیوپیایی دارند،^(۵۵) افزون بر این، وضعیت اجتماعی و ترکیب جمعیتی که خود معضلی راهبردی برای امنیت ملی این کشور است و هراس جیبوتی از

۱. جمعیت آنها بیش از ۶۰ درصد کل جمعیت جیبوتی و حاکمیت کشور را در دست دارند.

همسایگان بزرگ خود، موجب گردیده که این سرزمین در سیاست خارجی خود، دو مشی را در پیش گیرد: نخست، در مسائل شاخ آفریقا موضع بی‌طرفی سیاسی اتخاذ نماید و دوم، برای برخورد با تهدیدات همسایگان خود و حفظ توازن منطقه‌ای، روابط خود را با رژیم صهیونیستی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و با کشور فرانسه به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای توسعه دهد. جیبوتی به کشورهای رژیم صهیونیستی و آمریکا و اتحادیه اروپا در راستای مقابله با تروریسم منطقه‌ای، تسهیلات نظامی فراوانی نموده است. ناوگان‌های آلمانی و پایگاه زمینی فرانسه در جیبوتی، پس از یازدهم سپتامبر به شدت فعال شده‌اند.^۱

سومالی

پس از فروپاشی حکومت زیاد باره در ژانویه ۱۹۹۱ و چیرگی پیامدها و بازتاب‌های جنگ داخلی در این کشور و بر تمام ارکان زندگی جامعه عشیره‌ای سومالی و دخالت سازمان ملل و آمریکا برای محدودسازی ابعاد جنگ داخلی و تنش قبایل و عشایر این سرزمین، رژیم صهیونیستی در پرتوی حضور نظامیان آمریکا و حافظان صلح سازمان ملل، فرصت‌هایی برای حضور در سومالی یافت و در نیمه دوم ۲۰۰۱، حضورش را در قالب سازمان‌های امدادرسانی و نوع‌پرستی توسعه داد. در این راستا، رژیم صهیونیستی مراکزی را برای امدادرسانی و توزیع کمک‌های بشردوستانه در شهرهای مهم سومالی با حمایت ایالات متحده آمریکا به وجود آورد. اسرائیل علاوه بر تمرکز فعالیتش در امدادرسانی، با حمایت مستقیم و غیرمستقیم اتیوپی و آمریکا با گروه‌های سومالیایی ارتباطات گوناگونی برقرار نموده است.^(۵۶) در گذشته، مردم غیور سومالی^۲ با هرگونه حضور رژیم صهیونیستی

۱. گزارش‌های روزنامه‌های عربی به ویژه مصر، یمن و عربستان سعودی.

۲. اغلب مردم سومالی، مسلمان متعصب هستند.

به کشورشان به شدت مخالف بودند؛ ولی اکنون به خاطر گستره فجایع جنگ داخلی و آشفتگی عمومی و اوضاع نابسامان کشورشان، هرگونه کمک و صدقه‌ای را از رژیم صهیونیستی به راحتی می‌پذیرند.

کنیا

تاریخ روابط کنیا و رژیم صهیونیستی به چهل سال قبل از استقلال این کشور به دهه شصت باز می‌گردد و از دیدگاه موساد، این کشور، دومین شریک استراتژیک رژیم آپارتید جنوب آفریقا (در دوران حاکمیت سفیدپوستان) است.^(۵۷) ۳ هزار خانواده یهودی در این کشور زندگی می‌کنند و از دوران حاکمیت کینیاتا تا دوره حکومت دانیال اراب موی، آنها تجارت کنیا و امور بانکی و اداره مزارع بزرگ و بخش خدمات کشور را در انحصار خود دارند. مستشاران نظامی اسرائیلی در کلیه نهادهای امنیتی - نظامی و سیاسی کشور، حضور فعال دارند.^(۵۸) حادثه حمله به سفارت آمریکا در نایروبی و دو حادثه حمله به هتل‌های اسرائیلی در مومباسا، پرده از حضور این رژیم در کنیا برداشت. با بررسی و کنکاش شتابزده در اقتصاد کنیا، نقش شرکت‌های صهیونیستی آشکار می‌شود. شرکت «اگریداب» در زمینه اصلاح زمین و برپایی مزارع بزرگ کنیا نقش عمده‌ای دارد. شرکت «آلرا» و شرکت «موتورولا» و «کور» و «سولیل بونیه» تجارت کنیا با خارج را در انحصار دارند و شرکت هتل‌های آفریقا، صنعت هتلداری و خدمات جهانگردی کنیا را در قبضه دارند. در بُعد سیاسی و راهبردی، دولت کنیا همواره با سیاست‌های منطقه‌ای غرب به ویژه سیاست‌های آمریکا و اسرائیل همگرایی کامل دارد.^(۵۹)

اوگاندا

از دیرباز، کشور اوگاندا در اندیشه و سیاست راهبردی صهیونیست‌ها، جایگاه ویژه‌ای داشت. داشتن موقعیت استراتژیک در منطقه شرق آفریقا و حضور راهبردی آن در منطقه منابع دره نیل و وجود معادن ارزشمند، از جمله عوامل اهتمام صهیونیست‌ها به این کشور بوده است. عده‌ای از یهودیان اروپا در اوایل قرن بیستم، به این کشور کوچ کردند و به سرعت نقش برجسته‌ای در اقتصاد اوگاندا پیدا کردند. پس از استقلال اوگاندا، روابط میان دو کشور سیر صعودی داشت؛ حادثه انتبه و کشته شدن چریک‌های فلسطین در فرودگاه این شهر نشان از اشراف و آگاهی اسرائیلی‌ها از جزئیات این کشور دارد. پس از سقوط عیدی امین، روابط میان رژیم صهیونیستی و این کشور در زمینه‌های مختلف به ویژه امنیتی - نظامی توسعه یافت. بسیاری از شرکت‌های اسرائیل در بخش کشاورزی و دامپروری و خدمات جهانگردی حضور فعال دارند و ارتش اسرائیل به موجب قراردادهای امنیتی و نظامی به ارتش، پلیس و نیروهای اطلاعاتی این کشور آموزش‌های نظامی و فنی و اطلاعاتی می‌دهد.^(۶۰)

تانزانی

روابط اسرائیل با این کشور، به دوران قبل از استقلال این کشور باز می‌گردد. عده‌ای از خانواده‌های یهودی تحت حمایت همه جانبه استعمار انگلیس در این منطقه، در بخش تجارت و خدمات فعالیت داشتند. پس از استقلال و در دوران حکومت نایرره، روابط میان دو کشور به ویژه در بخش آموزش سندیکاهای کارگری و تعاونی‌های سوسیالیستی تانزانی‌ها توسعه یافت. پس از دوران نایرره، همکاری میان دو کشور، ابعاد مختلفی به خود گرفت و در زمینه اقتصاد و نظامی نیز رشد چشمگیری داشته است.^(۶۱)

بروندی

کشور کوچک برون‌دی به خاطر موقعیت استراتژیک آن در منطقه دریاچه‌های بزرگ، در سیاست منطقه‌ای اسرائیل اهمیت خاصی دارد. این رژیم برای دستیابی به اهداف نظامی - امنیتی و اقتصادی - سیاسی در میان قبایل این کشور و به ویژه در میان قبایل توتسی که پس از خاتمه بحران دریاچه‌های بزرگ به قدرت رسیدند، نفوذ کرده است. اسرائیل علاوه بر انحصار معادن الماس و طلاهای این کشور، در زمینه نظامی و امنیتی قراردادهایی با این کشور بسته که به موجب آن ارتش صهیونیستی به نظامیان و پلیس این کشور کمک‌های آموزشی و فنی می‌کند.^(۶۲)

رواندا

توتسی‌های حاکم در رواندا، کشتار افراد قبیله خود را توسط قبیله هوتو که اکثریت جامعه رواندا و برون‌دی را تشکیل می‌دهند، به «هولوکوست» یهودیان تشبیه کردند و خود را به مثابه یهودیان آفریقایی مطرح نمودند.^(۶۳)

افسران اطلاعاتی و کارشناسان فنی در زمینه کشاورزی، دامپروری و توسعه روستایی رژیم صهیونیستی از دیرباز در میان قبایل کشورهای برون‌دی و رواندا و دیگر کشورهای منطقه دریاچه‌های بزرگ، حضور فعالی داشته‌اند.^(۶۴) رژیم اسرائیل در مسلح کردن قبایل و رژیم‌های حاکم در کشورهای این منطقه، نقش اساسی داشته و کارشناسان این رژیم در کلیه نهادهای نظامی - امنیتی و اطلاعاتی و سیاسی این کشور دارای نفوذ هستند.

معادن ارزنده‌ای این سرزمین و موقعیت راهبردی آن در منطقه دریاچه‌های بزرگ، برای سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی در منطقه شرق آفریقا بسیار ذی‌قیمت است.^(۶۵)

کنگو دموکراتیک

رژیم صهیونیستی در دوران حاکمیت دیکتاتوری موبوتو و دوره حاکمان جدید از لوران کابیلا تا فرزندش جوزف کابیلا، روابط راهبردی و همه‌جانبه با کنگو دموکراتیک داشته است. حکومت کینشاسا در زمان موبوتو و کابیلایا برای کسب حمایت‌های نظامی و سیاسی در مقابل دشمنان داخلی و منطقه‌ای خود و همچنین برای دریافت مشروعیت جهانی، نیاز مبرمی به آمریکا و رژیم صهیونیستی داشته است. کابیلای پدر و فرزند، به مدت کوتاهی دست‌یاری به سوی لیبی دراز نمودند، ولی پس از اندک زمانی دریافتند که طرابلس توان و قابلیت حمایت همه‌جانبه از تداوم نظام سیاسی خودشان را ندارد؛ از این رو بار دیگر از رژیم صهیونیستی کمک خواسته و روابط دو جانبه با این رژیم را توسعه دادند. در زمینه اقتصادی، انحصار استخراج، صنعت، تجارت الماس و طلای این کشور در اختیار شرکت اسرائیلی «IDI» است.^(۶۶)

براساس رسانه‌های عربی‌ها گارد ریاست جمهوری جوزف کابیلا، رئیس‌جمهور فعلی این کشور، تحت اشراف افسران و مستشاران اسرائیل است و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی این کشور توسط موساد و افسران اطلاعاتی امنیت داخلی اسرائیل آموزشی داده می‌شوند.^(۶۷)

مناسبات اسرائیل و کشورهای منطقه در زمینه نظامی و امنیتی

همکاری نظامی و امنیتی میان رژیم صهیونیستی و کشورهای آفریقایی به ویژه منطقه شرق آفریقا، جایگاه ممتازی در نظریه امنیت اسرائیل دارد و یکی از اهداف این نظریه، ایجاد منابع تهدیدزا برای امنیت ملی جهان عرب و اسلام است. اسرائیل نقش مؤثری در آموزش و تربیت کادر نظامی و امنیتی کشورهای منطقه به ویژه اتیوپی، اریتره و کنیا داشته است. در اریتره، حدود ۶۵۰ مستشار نظامی فعالیت دارند.^(۶۸) این رژیم در درگیری‌های مرزی میان اریتره و اتیوپی به دو طرف اسلحه و تجهیزات نظامی می‌فروخته است. اسرائیل در سال ۲۰۰۲ با کنگو دموکراتیک، ۱۲ قرارداد همکاری همه‌جانبه منعقد کرد که برخی از آنها مربوط به همکاری‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی است. براساس آن، این رژیم دستگاه اطلاعاتی کنگو معروف به «انیر» را نوسازی کرد. همچنین اسرائیل در سال ۱۹۹۸، چند قرارداد نظامی و امنیتی با رواندا امضا کرد که به موجب آن، ارتش و پلیس این کشور را ساماندهی کرد. رژیم صهیونیستی با کنیا قرارداد اطلاعاتی - امنیتی منعقد کرد و براساس آن، ماهواره جاسوسی "عاموس یک" را برای کنترل امنیتی و جاسوسی بالای مدار ماهواره عربات قرار داد. رژیم اسرائیل در زمینه استفاده از تسهیلات زمینی، هوایی و دریایی کشورهای منطقه برای اهداف نظامی و امنیتی، با این کشورها قراردادهای محرمانه و آشکار بسته است.^(۶۹)

اسرائیل در جنگ ۶ روزه (۵ ژوئن ۱۹۶۷) با امضای یک قرارداد با اتیوپی توانست جزیره استراتژیک "راس سنتیان" در دریای سرخ را برای ایجاد یک پایگاه نظامی، اجاره نماید.^(۷۰) همچنین رژیم اسرائیل در سال ۱۹۹۳، برای کسب تسهیلات دریایی، قراردادی راهبردی با اریتره بست که به موجب آن، توانست تسهیلات دریایی در جزایر فاطمه، فخر و مرسی را برای سرویس‌دهی به کشتی‌های نیروی دریایی خود،

دریافت کند. همچنین براساس این قرارداد، اسرائیل یک ایستگاه راداری بر قله کوه سورکین که بلندترین قله منطقه است، بر پا نمود تا حرکت کشتی‌ها را در منطقه باب‌المنذب کنترل کند. در مقابل، این رژیم در زمینه نظامی، اقتصادی و کشاورزی به اریتره کمک‌های فنی و اعتباری خواهد کرد. در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹، اسرائیل با اتیوپی قراردادهایی امضا نمود که براساس آن، اسرائیل می‌تواند در عملیات نظامی و اطلاعاتی خود از خاک، تسهیلات نظامی و لجستیکی اتیوپی استفاده کند.^(۷۱)

ژنرال یوسی بن‌حنان، رئیس دایره کمک‌های فنی وزارت دفاع اسرائیل، در زمینه فروش اسلحه به کشورهای منطقه و کل آفریقا، اعلام کرد که ارزش فروش اسلحه به آفریقا در سال ۱۹۹۸، ۱/۷ میلیارد دلار بوده و در سال ۲۰۰۴ این رقم به ۴ میلیارد دلار رشد کرده است.^(۷۲)

حضور اسرائیل در بخش کشاورزی منطقه شرق آفریقا

از آنجایی که ۷۰ تا ۸۰ درصد کل نیروی کار آفریقا در بخش کشاورزی مشغول فعالیت هستند؛ از این رو رژیم صهیونیستی با درک واقعیت‌های موجود در منطقه و برای توسعه حضورش در اقتصاد و سیاست منطقه شرق آفریقا، فعالیت خود را در این منطقه در بخش کشاورزی، دامپروری و آبیاری و صنایع مربوط به این بخش‌ها، گسترش داد. رژیم صهیونیستی از تجارب گذشته خود در تأسیس مزارع دسته‌جمعی «کببوتز» و مزارع تعاونی "موشاف"، در کشورهای آفریقای خاوری، استفاده نمود و در کنیا، اوگاندا و اتیوپی حدود ۲۰۰ مستعمره کشاورزی و دامپروری ایجاد نمود.^(۷۳) همچنین تحت‌نظر ۶ کارشناس کشاورزی و شرکت اگولایدین، ۳ مزرعه بزرگ در کشور تانزانیا، تأسیس نموده است.^(۷۴) رژیم صهیونیستی علاوه بر همکاری کشاورزی با کشورهای این منطقه، برای تأسیس

مزارع تولیدات کشاورزی جهت صدور تولیدات آن به فلسطین اشغالی یا به کشورهای اتحادیه اروپا اقدام به خرید زمین‌های حاصلخیز نمود. در همین راستا، شرکت انکودا در اتیوپی، حدود ۵۰ هزار هکتار زمین زراعتی خریداری کرده که بخش عمده این زمین‌ها را برای تولید پنبه و بقیه را برای دامپروری و ایجاد شرکت‌ها و صنایع لبنی اختصاص داده است.^(۷۵)

اسرائیل توسط برخی شرکت‌های متخصص در امر توسعه روستایی و ایجاد مزارع نمونه، بسیاری از برنامه‌ها و پروژه‌های سازمان ملل در زمینه توسعه در منطقه شرق آفریقا را اجرا می‌کند و در این راستا به برخی اهداف راهبردی خود در این منطقه نایل می‌گردد. رژیم صهیونیستی با اغلب کشورهای منطقه، قراردادهای موافقتنامه‌هایی منعقد کرده که براساس آن، رژیم اسرائیل همکاری‌های کشاورزی، دامپروری و توسعه روستایی با کشورهای این منطقه را منوط به تأمین کودها، انواع حشره‌کش، ابزارهای کشاورزی و فناوری‌های مبارزه با آفت‌های کشاورزی و دامپروری و تأسیس مزارع نمونه از سوی شرکت‌های اسرائیلی، نموده است.^(۷۶)

آموزش کادرهای فنی آفریقایی در زمینه کشاورزی و دامپروری و مدیریت توسعه روستایی و مزارع نمونه، یکی از زمینه‌های همکاری رژیم صهیونیستی با کشورهای این منطقه است. همچنین این رژیم، در زمینه صنایع وابسته به کشاورزی و دامپروری در کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری گسترده‌ای نموده است. در این راستا، در اریتره شرکت انکودا در بخش دامپروری و تولید گوشت سرخ سرمایه‌گذاری کلانی نموده و در اتیوپی شرکت اتاجن، کارخانه کنسروسازی گوشت ماهی ایجاد کرده و در کنیا چند سرمایه‌گذار اسرائیلی، کارخانه عظیم صنایع چوبی تأسیس نمودند و همچنین کارخانه کفش‌سازی در کنیا ایجاد کرده‌اند که کفش‌های کشورهای منطقه را تأمین می‌کند.^(۷۷)

نتیجه گیری

افزایش نقش آمریکا و اسرائیل در منطقه شرق آفریقا پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، با عقب نشینی و انجماد نقش کشورهای اروپایی و عربی همراه بوده است. توسعه پهنه نفوذ اسرائیل در این منطقه بر روند منازعه اعراب و اسرائیل و فرایند تحولات منطقه خاورمیانه به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر خواهد داشت و تهدیدی جدی برای نظام عربی خواهد بود. تداوم این فرایند به سود رژیم صهیونیستی، تأثیرات بسزایی بر آبراهها و معابر دریایی منطقه خلیج فارس و دریای سرخ و اقیانوس هند خواهد داشت و در نتیجه، نقل و انتقال نفت از حوزه خلیج فارس به اروپا و منطقه مدیترانه را به خطر می اندازد و توازن منطقه‌ای را به سود این رژیم مختل خواهد کرد.

منابع

الف: کتاب

۱. جعفری ولدانی، اصغر؛ ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۸۱.
۲. المبارک ... احمد؛ ... (و نویسندگان دیگر) العرب و الدایره الافریقیه، مرکز دراسات الوحده العربیه، لبنان، بیروت اوت ۲۰۰۵.
۳. عواطف عبدالرحمن، اسرائیل و افریقیا، مرکز الابحاث الفلستینیه، بیروت، ۱۹۷۴.
۴. عبدالسلطان، عبدالله؛ «البحر الاحمر و الصراع العربی الاسرائیلی»، مرکز دراسات الوحده العربیه، بیروت.
۵. عبدالعزيز ربیع، محمد؛ اسرائیل و القاره الافریقیه، الابعاد و المخاطر، سلسله دراسات صامد الاقتصادی.
۶. فایق، محمد؛ عبدالناصر و الثورة الافریقیه.

ب: مقالات

۱. حمدی عبدالرحمن، «نفوذ اسرائیل در آفریقا و بازتاب آن بر امنیت ملی اعراب»، ترجمه سید نعمت‌اله قادری، فصلنامه مطالعات آفریقا، بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص ۴۶-۱۳.
۲. حمدی عبدالرحمن حسن، «التوازن الاقليمي فی البحيرات العظمی و الامن المایى المصرى»، مجله السياسيه الدوليه شماره ۱۳۵، ژانویه ۱۹۹۹، صص ۳۷-۲۲.
۳. حمدی عبدالرحمن حسن، «الكو نفو بعد كاييلا ... خريطة جديده للبحيرات العظمی؟» سایت اسلام اون لاین. نت مورخ ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱.
۴. حمدی عبدالرحمن حسن، «صراع البحيرات العظمی ... صناعه محليه و خبره اجنبيه»، سایت الجزيره. نت، ملفات خاصه ۲۰۰۱.
۵. ابراهيم احمد بلوله، اسرائیل: استعمار جديد در آفریقا، ترجمه سید نعمت‌اله قادری، فصلنامه مطالعات آفریقا، بهار و تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۲۱-۷۷.
۶. عادل عبدالرحيم، «مصر والاردن تستعدان للمواجهه، هل تسدد القاهره و عمان فاتوره استجلاب مليونی يهودی»، سایت <http://ns.moheet.com>.
۷. احمد مفرحی، «بحران منطقه درياچه‌های بزرگ»، فصلنامه آفریقا، سال چهارم شماره ششم بهار ۱۳۷۷، صص ۹۷-۱۱۴.
۸. ناديه سعدالدين، التغفل «الاقتصادی الاسرائیلی فی شرق آفریقا و انعكاساته علی الامن القومی العربی»، مجله المستقبل العربی، السنه ۲۶، العدد ۲۹۲ (۲۰۰۳)، صص ۵۶-۳۳.
۹. اصغر جعفری ولدانی: بی‌ثباتی در حوزه دریای سرخ، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۳۴-۱۳۲ (مهر و آبان ۱۳۷۷).
۱۰. «عملیتا موباسا و المصالح الاسرائیلیه فی آفریقا»، مرکز المعلومات للدراسات و البحوث، روزنامه الخلیج چاپ امارات متحده عربی، مورخ ۲۰۰۲/۱۲/۱۳.
۱۱. محمد ابوفضل، «الفلاشا مره ثالثه من ائبو بیاک اسرائیل»، روزنامه الاتحاد چاپ امارات متحده عربی مورخ ۲۰۰۴/۱/۲۷.

۱۲. صالح النعامی، «الفلاشا بعد ۱۷ سنه فی اسرائیل: لم نجد السمن و العسل»، سایت اسلام اون لاین. نت مورخ ۲۰۰۱/۵/۲۸.
۱۳. «رحله یهود الفلاشا عبر التاريخ»، روزنامه الاحداث چاپ رباط - مغرب مورخ یکشنبه ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴.
۱۴. مها عبدالهادی، «الفلاشموره يستعدون للهجرة الى اسرائيل»، سایت اسلام اون لاین. نت مورخ ۱۲ آوریل ۲۰۰۰.
۱۵. هشام الهلالی، «صفقه سريه جديده لتهجير يهود الفلاشا»، سایت اسلام اون لاین. نت مورخ ۲۰۰۰/۷/۱۳.
۱۶. احسان مرتضى، «الامن العربی و اشكاليات التغلغل الاسرائیلی فی افريقيا»، مجله الدفاع الوطنی، لبنان، بیروت شماره ۳۸ مورخ ۲۰۰۱/۱۰/۱.
۱۷. وایل عبدالغنی، «فی ظل الهجمه یرتب علی المنطقه، ماذا الاستعماريه للقرن الافريقي»: مجله البيان شماره ۱۹۶ ماه ژانویه و فوریه ۲۰۰۴ سایت www.albayan.com/magazine.
۱۸. ابراهیم نصرالدين، المشروع الصهيونی فی افريقيا.
۱۹. عصام سليمان، «الاطماع الصهيونيه فی مياه حوض النيل»، مركز الابحاث الافريقيه.
۲۰. نیل احمد حلمی: «أمن البحر الاحمر و القرن الافريقي»، روزنامه السيات، چاپ کویت اکتبر ۱۹۷۸.
۲۱. حلمی عبدالکریم الزعبي؛ «القاره الافريقيه و اولويتها فی السياسه الخارجيه الصهيونيه»، مجله المستقبل العربی السنه ۷ العدد ۷۲ صص ۳۷-۵۹.
۲۲. أمل الشاذلی: «الاطماع الاسرييليه فی القرن الافريقي»، مجله السياسه الدوليه، مصر، القايره، شماره اکتب ۱۹۷۸.
۲۳. جمال عدوی، تغلغل النفوذ الاسرائیلی فی اريتريا ... و علاقته بالاطماع الصهيونيه فی مياه النيل و البحر الاحمر (۳شماره) نشریه الرأی العام چاپ خارطوم دسامبر ۲۰۰۲.
۲۴. بابکر علی عبدالکریم، «الابعاد الجيوسياسيه و الاقتصاديه لأمن من البحر الاحمر»، المجله - السودانيه للدراسات الديلوماسيه العدل الاول عام ۲۰۰۰ المجله الاول صص ۳۹-۴۷.

٢٥. حسن مكى، «مصر و اسرائيل و القرن الافريقى»، الحلقة الاولى مورخ ٢٠٠٤/٧/٤ روزنامه الرأى العام چاپ خارطوم.
٢٦. أمانى «الطويل، الازمه المحتملہ فى شرق السودان»، سايت مركز الدراسات السياسيه و الاستراتيجيه بالاهرام مورخ ٢٩ نوامبر ٢٠٠٢.
٢٧. بدر حسن، «شافعى فى البحيرات العظمى... فرنسا ترتدى ثوباً امريكياً» سايت اسلام اون لاين. نت مورخ ٢٠٠١/٨/٢١.
٢٨. محمد النحال، تطور الاستراتيجيه الاسرائيليه فى القرن الافريقى و البحر الاحمر، شركه مطابع السودان للعمله المحدوده - ط ٣، الخرطوم، ٢٠٠٣.
٢٩. حسن الحاج على احمد، «الصراع فى منطقه البحيرات و اثره على الامن المائى العربى»، المجله السودانيه للدراسات الدبلوماسيه العدد الاول عام ٢٠٠٠، المجله الاول صص ٢٣-١٣.
٣٠. ميتشيل جى، تطور السياسيه الافريقيه لاسرائيل.
٣١. مأمون الباقر، «صراع المصالح الاميركيه الاوروبيه فى القاره السمراء»، روزنامه البيان چاپ امارات متحده عربى.
٣٢. حمدى عبدالرحمن حسن؛ «التوازن الاقليمى فى شرق افريقيا»، مجله البيان.
٣٣. الدور الاسرائيلى فى البحيرات العظمى و شرق افريقيا، التقرير الاستراتيجى العربى (٢٠٠٤-٢٠٠٥) مركز الدراسات السياسيه و الاستراتيجيه بالاهرام.

پى نوشتها

١. ناحو غولدمان، اسرائيل الى أين؟ ترجمه دكتور سخی خورى بيروت، دارالشرق العالميه
٢. نايه سعدالدين، «التغلغل الاقتصادى الاسرائيلى فى شرق افريقيا»، مجله المستقبل العربى السنه ٢٦ العدد ٢٩٢ (حزيران ٢٠٠٣) ص ٣٦.
٣. حسن مكى، «مصر و اسرائيل و القرن الافريقى»، الحلقة الاولى، الرأى العام چاپ خارطوم مورخ ٢٠٠٤/٧/٤.
٤. عصام سليمان، الاطماع الصهيونيه فى مياه حوض النيل، مركز الابحاث الافريقيه.

۵. سلطان عبدالحمید، خلیفه عثمانی، با اعطای هرگونه امتیازاتی به یهودیان برای اسکان و اقامت در فلسطین مخالف بوده و هرتزل در مذاکراتش با سلطان عبدالحمید جهت گرفتن امتیازات خرید و فروش زمین در فلسطین ناموفق بود؛ از این رو اغلب مورخان این دوران تاریخی بر این عقیده هستند که یهودیان نقش مؤثری در سقوط سلطان داشتند و انقلاب جنبش ترک جوان در سال ۱۹۰۸ دسیسه و از تحریکات یهودیان و عاملی در فروپاشی دولت عثمانی و همچنین بستر مساعدی برای روی کار آمدن کمال پاشا بوده است.
۶. ابراهیم نصرالدین، *المشروع الصهيونی فی آفریقا*.
۷. حسن مکی، پیشین.
۸. میتشیل جی، *تطور السياسیة الافریقیه لاسرائیل و کتاب محمد فایق؛ عبدالناصر و الثورة الافریقیه ص ۳۵*.
۹. جمال عدوی، «تغلغل النفوذ الاسرائیلی فی اریتریا، الحلقة الاولى» روزنامه الرأی العام چاپ خارطوم دسامبر ۲۰۰۲.
۱۰. همان.
۱۱. حسن مکی، پیشین.
۱۲. محمدالتحالی، *تطور الاستراتیجیه الاسرائیلیه فی القرن الافریقی و البحر الاحمر، مرکز الابحاث الاستراتیجیه الراصد*.
۱۳. احسان مرتضی، «الامن العربی و اشکالیات التغلغل الاسرائیلی فی افریقا»، *مجله الدفاع الوطنی* شماره ۳۸ مورخ ۲۰۰۱/۱۰/۱ - لبنان - بیروت.
۱۴. مأمون الباقی، «صراع المصالح الامیرکیه الاوروبیه فی القاره السمراء»، *روزنامه البیان* چاپ امارات متحده عربی.
۱۵. اصغر جعفری ولدانی، *ژیوپولیتیک جدید دریای سرخ*، ص ۳۳.
۱۶. جمال عدوی، *تغلغل النفوذ الاسرائیلی فی اریتریا، الحلقة الثالثه*.
۱۷. احسان مرتضی، پیشین، ص ۱۹۴.
۱۸. همان.

۱۹. عبدالله عبدالسلطان، البحر الاحمر و الصراع العربی الاسرائیلی، ص ۲۲۷.
۲۰. اصغر جعفری ولدانی، پیشین، ص ۱۴۰.
۲۱. همان.
۲۲. عصام سلیمان، الاطماع الصهیونیة فی میاه حوض النيل، مرکز الابحاث الافریقیه - سودان و نیز حسن الحاج علی احمد، الصراع فی منطقه - البحیرات و اثره علی الامن المایى العربی، المجله السودانیة للدراسات الدیپلوماسیة الصدد الاول عام ۲۰۰۰ المجله الاول صص ۱۳-۲۳.
۲۳. احمد مفرحی، بحر ان منطقه دریاچه‌های بزرگ، صص ۹۷-۱۱۴. مجله مطالعات آفریقا سال ۴ شماره ۶ بهار ۱۳۷۷ و نیز ابراهیم ولی‌پور، درگیری‌های منطقه دریاچه‌های بزرگ و نگاهی به ریشه‌های آن.
۲۴. این بحر ان که در آغاز یک معضل منطقه‌ای و محلی بوده، در سال ۱۹۹۶ از منطقه شرق زئیر (کنگو دموکراتیک فعلی) آغاز شده، بعدها در پی گسترش پهنه آن به یک مسأله بین‌المللی تبدیل گردیده است.
۲۵. بدر حسن شافعی، «فی البحیرات العظمی... فرنسا ترتدی ثوباً امریکیاً، اسلام اون لاین»، نت مورخ ۲۱/۸/۲۰۰۱.
۲۶. حمدی عبدالرحمن حسن، «الکونفو بعد کابیلا»، از سایت اسلام اون لاین. ونت مورخ ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱.
۲۷. حمدی عبدالرحمن، «التوازن الاقلیمی فی البحیرات العظمی»، مجله السیاسیة الدولیة شماره ۱۳۵ مورخ ژانویه ۱۹۹۹ صص ۲۲-۳۷.
۲۸. دکتر حمدی عبدالرحمن حسن، «صراع البحیرات العظمی... صناعه محلیه و خبره اجنبیه»، سایت الجزیر. نت، ملفات خاصه ۲۰۰۱.
۲۹. حسن مکی، پیشین.
۳۰. حسن مکی، پیشین.
۳۱. همان.
۳۲. جمال عدوی، تغفل النفوذ الاسرائیلی فی اریتریا.

۳۳. آماني الطويل، «الازمه المحتملہ فی شرق السودان»، سايت مركز الدراسات السياسيه و الاستراتيجيه بالاهرام مورخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴.
۳۴. اصغر جعفرى ولدانى، پيشين، ص ۷۳.
۳۵. التقرير الاستراتيجى الافريقى، ص ۳۳.
۳۶. بدر حسن شافعى، «فى البحيرات العظمى... فرنسا ترتدى ثوباً أمريكياً»، سايت اسلام اوبن لاين. نت مورخ ۲۱/۸/۲۰۰۱.
۳۷. التقرير الاستراتيجى الافريقى، ص ۳۲.
۳۸. همان.
۳۹. اصغر جعفرى ولدانى، پيشين، ص ۴۵.
۴۰. حمدى عبدالرحمن حسن، «التوازن الاقليمى فى شرق أفريقيا»، مجله البيان و همچنين اصغر جعفرى ولدانى، همان، فصل سوم صص ۵۴-۴۵.
۴۱. التقرير الاستراتيجى الافريقى، (۲۰۰۲-۲۰۰۱) ص ۴۶۶.
۴۲. همان، ص ۴۶۷.
۴۳. همان، ص ۴۷۸.
۴۴. محمد عبدالعزيز ربيع، اسرائيل و القاره الافريقيه، الابعاد و المخاطر سلسله دراسات صامد الاقتصادى، صص ۳۶-۳۵.
۴۵. همان.
۴۶. احسان مرتضى، الامن العربى و اشكاليات التغلغل الاسرائيلى فى افريقيا.
۴۷. محمد عبدالعزيز، پيشين، صص ۳۸-۳۵.
۴۸. الدور الاسرائيلى فى اليحيرات العظمى و شرق افريقيا.
۴۹. «الفلاشا مره ثلثه من ايثيوبيا لأسرائيل محمد ابوالفضل»، روزنامه الاتحاد چاپ امارات متحده عربى ۲۷/۱/۲۰۰۴.
۵۰. حمدى عبدالرحمن حسن، التوازن الاقليمى فى شرق افريقيا.

۵۱. اتحادیه کشورهای تجمع صغاء با اجلاس سران کشورهای ایتوپیی، سودان و یمن در اکتبر ۲۰۰۲ با اهداف مبارزه با تروریسم منطقه‌ای و همکاری‌های میان کشورهای عضو پا به صحنه سیاست منطقه گذاشت. سومالی در سال ۲۰۰۴ به آن پیوست. ولی اریتره و جیبوتی هنوز به آن نپیوستند.
۵۲. البعد الاستراتیجی لعلاقات اریتریا و اسرائیل - حركة الجهاد الاسلامی الارتری.
۵۳. بابکر علی عبدالکریم، الابعاد الجیوسیاسییه و الاقتصادیه لأمن البحر الاحمر و نیز جمال عدوی، تغلغل النفوذ الاسرائیلی فی اریتریا... و علاقته بالاطماع الصهیونیسته فی میاه النيل و البحر الاحمر و حمدی عبدالرحمن: التوازن الاقلمی فی شرق افریقیا.
۵۴. ابراهیم احمد بلوله، «اسرائیل: استعمار جدید در آفریقا»، ترجمه سید نعمت‌اله قادری فصلنامه مطالعات آفریقا بهار و تابستان ۱۳۸۴ صص ۹۵-۹۱.
۵۵. جمعیت آنها ۴۰ درصد می‌باشد و به عنوان یک اقلیت بزرگ در حال رقابت همه‌جانبه با عیساها می‌باشند. در زمان استعمار فرانسه این سرزمین به کشور عفار و عیسا یا سومالی فرانسوی معروف بوده است.
۵۶. رسانه‌های گروهی عرب به ویژه مطبوعات مصر و امارات متحده عرب، گزارشهای مبسوطی درباره حضور رژیم صهیونیستی در سومالی منتشر کرده و از فراموش شدن سومالی توسط برادران عربی به شدت انتقاد می‌کردند.
۵۷. التقرير الاستراتیجی الافریقی (۲۰۰۲-۲۰۰۱) ص ۳۵۹.
۵۸. «عملیتا مومباسا و المصالح الاسرائیلیه فی افریقیا»، مرکز المعلومات للدراسات و البحوث روزنامه الخلیج مورخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۲.
۵۹. التقرير الاستراتیجی الافریقی ص ۳۵۹.
۶۰. میتشیل جی، تطور السیاسیه الافریقیه لاسرائیل.
۶۱. حمدی عبدالرحمن حسن، التوازن الاقلمی فی شرق افریقیا و همچنین نادیه سعدالدین التغلغل الاقتصادی الاسرائیلی فی شرق افریقیا.

- ۶۲ حسن الحاج علی احمد، «الصراع فی منطقه الجیرات و اثره علی الامن المانی العربی»، المجله السودانیة للدراسات الدیپلوماسیة شماره یک سال ۲۰۰۰ صص ۲۳-۱۳.
- ۶۳ التقرير الاستراتیجی الافریقی (۲۰۰۱-۲۰۰۲)، ص ۳۶۳.
- ۶۴ حمدی عبدالرحمن، «صراع البحیرات العظمی»، سایت الجزیره نت ۲۰۰۱.
- ۶۵ حمدی عبدالرحمن، «التوازن الاقلیمی فی البحیرات العظمی»، مجله السیاسیة الدولیة شماره ۱۳۵ ژانویه ۱۹۹۹ ص ۳۵.
- ۶۶ براساس منابع خبری و اطلاعاتی کشورهای منطقه این شرکت وابسته به حزب راستگرای افراطی «شاس» می باشد، حمدی عبدالرحمن، الکو نغو بعد کابیلا سایت اسلام اون لاین، نت، مورخ ژانویه ۲۰۰۱.
- ۶۷ روزنامه الاهرام شماره های مختلف و نیز کتاب التقرير الاستراتیجی الافریقی ۲۰۰۲ ص ۳۶۳.
- ۶۸ الدور الاسرائیلی فی البحیرات العظمی و شرق افریقیا، التقرير الاستراتیجی العربی (۲۰۰۴-۲۰۰۵) مرکز الدراسات السیاسیة و الاستراتیجیة بالاهرام.
- ۶۹ التقرير الاستراتیجی الافریقی (۲۰۰۱-۲۰۰۲) صص ۳۵۹-۳۵۸.
- ۷۰ الدور الاسرائیلی فی الجیرات العظمی و شرق افریقیا.
- ۷۱ حمدی عبدالرحمن حسن، «التوازن الاقلیمی فی شرق افریقیا»، مجله البیان.
- ۷۲ الدور الاسرائیلی فی الجیرات العظمی و شرق افریقیا.
- ۷۳ نادیة سعدالدین، پیشین، ص ۱۵۷.
- ۷۴ همان، ص ۱۵۸.
- ۷۵ همان.
- ۷۶ نادیة سعدالدین، پیشین، ص ۱۵۹.
- ۷۷ همان.